

احتراماً، صبح شنبه ساعت ۹:۲۰ مورخ ۱۴۰۲/۴/۳ برگه ای به عنوان شورا انضباطی ابلاغ شد که خواسته و تقاضا از سوی مسئول تایید و تصدیق این موضوع، ثبت اثر انگشت بود. اما با توجه به ثبت گزارشات کذب و خلاف واقع از ثبت امضا یا اثر انگشت امتناع کردیم.

شرح واقعه :

صبح چهارشنبه ساعت ۶:۵۰ مورخ ۱۴۰۲/۲/۲۰ روز اعزام به جلسه دوم دادگاه بود که طبق معمول قبل از ترک بند بازرسی بدنی شدیم در این بین اتفاق دور از انتظار این بود که در بدو مواجه با مامورین، مامور انتقال گفت هر نوع برگه ای دارید تحویل دهید. خروج هر نوع برگه ای ممنوع است. (استثنا نیز قائل نشد) پیرو اظهارات نگهبان وقت نیز با وی همسو و اصرار به اخذ تمام برگه ها شد. شکی نیست که تعامل ایشان امری خلاف قانون و اصرار به این امر متأثر از عواملی دیگر بود. بالطبع نتیجه ممانعت هدف دار و بی دلیل، اعتراض و شکایت ما به عملکرد دور از عدل و انصاف آنان بود. به تعبیری دیگر می توان گفت اعمال زور! چونکه تحمیل امری خلاف قانون با بهره گیری از مقام و منصب معنایی جز اعمال زور نخواهد داشت. به هر حال علی رغم تنظیم گزارش خلاف واقع از سوی مسئولین با اعتراض ما عاری از هر گونه توهین تحقیر و تهدیدی بود و گواه این ادعا دوربینی است که در فاصله نزدیک در حال ثبت و ضبط این وقایع بود. اما متأسفانه در اقدامی هدفمند گزارشی معترضانه در داخل بند تنظیم و بدون تحقیق و تفحص از ترفین توسط چندی دیگر از مسئولین زندان نیز گزارش مورد تایید و رسیدگی قرار میگیرد. گزارش مذکور مبنی بر شورای انضباطی شاید در ظاهر ساده و کم اهمیت باشد اما سوء نیت با مرور ایام قبل از جلسه دادگاه مفهوم و قابل درک خواهد بود. در گزارش مامور عنوان شده اجازه بازرسی ندادند و از تحلیل برگه های همراه امتناع کردند در صورتی که ما از اقدام غیر قانونی توقیف اوراق اعم از لایحه دفاعیه دادنامه جلوگیری از بین بردن آن ها به دادگاه شکایت داشته و خواستار عودت برگه ها شدیم. ضمن اینکه سه نفر افراد برگه ای به همراه نداشتند. سوال اینجاست که چرا مسئولین در این امر اصرار داشتند؟ سه هفته قبل از تشکیل جلسه دادگاه چند لایحه دفاعیه تنظیم و طبق روال معمول بند (۶/۱) برای ثبت مهر و امضا به سرپرستی بند تحویل داده شد. تایید نامه سه هفته یا بیشتر به طول انجامید و همان روز دادگاه به دست صاحب آن رسید ولی یکی از دفاعیه ها تایید نشده بود و الزاماً به صاحب نامه باید مسترد می گردید که چنین امری رخ نداد. قطعاً عدم تایید و استرداد دفاعیه متأثر از محتوای متن آن بود. محتوایی که گوشه ای از تخلفات فاحش بازپرس حسن حیدری شکنجه گر سابق اداره اطلاعات مشهد را آشکار می کرد و این موضوع اخبار تعلل مسئولین زندان در رابطه با عدم تایید برخی لوایح بود و دلیل این تعلل دخالت کامل اداره اطلاعات در تمامی شئون مربوط به متهمین امثال ما است و عوامل او در محیط زندان توسط مسئولین بالطریق (اطاعت محض) جامه عمل می پوشد. از اینرو، از بدو ورود به زندان تا کنون، مداخله همه جانبه اداره مذکور ارمغانی جز ضایع کردن حقوق و ترویج دروغ علیه ما و امثال ما نداشته و تحت سلطه تام او محیط زندان برای ما مکان مناسب تحمیل انضباط، افترا و اختفا مفرط شده است. در این آشفته بازار وبال تخلف و قانون شکنی مامور مسئول گریبان معترض را میگیرد و مطالبه حق از سوی ما دون، تعبیر به تجاوز و تعدی می باشد.

۱ - فرهاد شاکری فرزند خوجه نیاز

۲ - حکیم عظیم گرگیج فرزند صالح

۳ - عبدالرحمان گرگیج فرزند سعید

۴ - عیسی محمدی فرزند مصطفی